

Investigating the Effect of Financial Distress and Growth Opportunities on Accounting Conservatism with the Adjusting Role of Management Overconfidence

Mehdi Heidari *

Associate Prof, Department of Accounting,
Urmia University, Urmia, Iran.

Alireza Aliakbarlou 

MSc of Accounting, Urmia University, Urmia,
Iran.

Ebrahim Khakpour
Heydaranlou 

MSc of Accounting, Urmia University, Urmia,
Iran.

Abstract

Conservatism is an action that is used in conditions of uncertainty and limiting management's optimistic behaviors to increase the reliability of financial statements. Financial distress and growth opportunities are among the factors that can improve the level of accounting conservatism. Meanwhile, managers' behavioral characteristics are expected to influence the relationship between financial distress and growth opportunities with accounting conservatism. Therefore, the aim of this study is to investigate the effect of management uncertainty on the relationship between financial distress and growth opportunities, and accounting conservatism. The results of this study show that the variables of financial distress and growth opportunities have a positive and significant effect on accounting conservatism. Management overconfidence has no significant effect on the relationship between financial distress and accounting conservatism but it moderates the relationship between growth opportunities and accounting conservatism and has a negative and significant effect on the relationship between them. In other words, those managers with unfavorable financial situations do not have a positive outlook to the future of the company and increase the level of accounting conservatism. Managers of large and growing companies also tend to opt for more conservative accounting

* Corresponding Author: m.heydari@urmia.ac.ir

How to Cite: Heidari, M., Aliakbarlou, A., Khakpour Heydaranlou, E. (2022). Investigating the Effect of Financial Distress and Growth Opportunities on Accounting Conservatism with the Adjusting Role of Management Overconfidence, *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 19(74), 177-208.


practices to minimize their political and social costs. However, overconfident managers are optimistic about the future of the company and reduce the level of accounting conservatism.

Keywords: Accounting Conservatism, Financial Distress, Growth Opportunities, Management Overconfidence.




بررسی تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری با نقش تعدیل‌گری بیش‌اطمینانی مدیریت


دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

مهدی حیدری * 

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه ارومیه، ارومیه ایران.

علیرضا علی اکبرلو 

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه ارومیه، ارومیه ایران.

ابراهیم خاکپور حیدرانلو 

چکیده

محافظه‌کاری اقدامی است که در شرایط عدم اطمینان و محدود کردن رفتارهای خوش‌بینانه مدیریت در جهت افزایش قابلیت اتکای گزارش‌های مالی از آن بهره گرفته می‌شود. درماندگی مالی و فرصت‌های رشد از جمله عواملی هستند که می‌توانند باعث بهبود سطح محافظه‌کاری حسابداری شوند. در این میان انتظار می‌رود خصوصیات رفتاری مدیران بر رابطه میان درماندگی مالی و فرصت‌های رشد با محافظه‌کاری حسابداری تأثیر داشته باشد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر ارتباط بین درماندگی مالی، فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، متغیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارند. بیش‌اطمینانی مدیریت بر رابطه بین درماندگی مالی و محافظه‌کاری حسابداری تأثیر معناداری ندارد ولی رابطه بین فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری حسابداری را تعدیل کرده و تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین آن‌ها دارد؛ به عبارت دیگر، مدیران با وضعیت مالی نامطلوب، چشم‌انداز مثبتی به وضعیت آتی شرکت نداشته و سطح محافظه‌کاری حسابداری را افزایش می‌دهند. همچنین مدیران شرکت‌های بزرگ و در حال رشد، جهت حداقل کردن هزینه‌های سیاسی و اجتماعی خود، تمایل به انتخاب رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تر دارند. از طرفی مدیران بیش‌اطمینان، نسبت به وضعیت آتی شرکت خوش‌بین بوده و سطح محافظه‌کاری حسابداری را کاهش می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: بیش‌اطمینانی مدیریت، درماندگی مالی، فرصت‌های رشد، محافظه‌کاری حسابداری.

* نویسنده مسئول: m.heydari@urmia.ac.ir

مقدمه

در پیش‌بینی شرایط ناپایدار اقتصادی، مدیران شرکت‌ها باید در تهیه صورت‌های مالی احتیاط کافی را داشته باشند. اقدامات احتیاطی انجام‌شده توسط مدیران، معمولاً با شناسایی سریع‌تر هزینه‌ها و زیان‌ها، شناسایی کندتر درآمدها و سودها، ارزش‌گذاری دارایی‌ها با کمترین ارزش و بدهی‌ها با بالاترین ارزش، صورت می‌گیرد و اصطلاحاً، محافظه‌کاری در حسابداری گفته می‌شود (Nugroho and Mutmainah, 2012).

عوامل بسیاری وجود دارد که مدیران را در انتخاب روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه، تحت تأثیر قرار دهند (Nugroho and Mutmainah, 2012). یکی از عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری حسابداری، مشکلات مالی شرکت‌ها می‌باشد که می‌تواند مدیران را به کاهش سطح محافظه‌کاری حسابداری، ترغیب کند؛ چراکه وضعیت مالی نامناسب شرکت‌ها می‌تواند منجر به افزایش انگیزه سهامداران در تغییر مدیران شرکت‌ها باشد (Yusnaini, 2019). بنابراین ممکن است مدیران برای امان ماندن از تهدیدات سهامداران، در گزارش‌های مالی که معیاری برای عملکرد آن‌ها می‌باشد، اقدام به دست‌کاری کنند (Pramudita, 2012). فرصت‌های رشد یکی دیگر از عواملی است که محافظه‌کاری حسابداری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شرکت‌های در حال رشد با انتخاب و به‌کارگیری رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تر منجر به گزارش خالص دارایی‌ها به کمتر از ارزش اقتصادی خود و با ایجاد ذخایر پنهان، باعث ارائه کمتر سود در سال‌های اولیه عمر دارایی و ارائه سود بیشتر در سال‌های آتی می‌شوند (مشکی میاوقی و الهی رودپشتی، ۱۳۹۳). در خصوص چگونگی ارتباط درماندگی مالی و فرصت‌های رشد با محافظه‌کاری حسابداری، پژوهشگران گذشته در بررسی تجربی این ارتباط، به نتایج متناقض دست یافته‌اند (Fitriani, 2020; Sari, 2020) که باید توجه داشت، یکی از عوامل مؤثر در متناقض بودن یافته‌های این پژوهش‌ها، ناهمگن بودن نمونه موردبررسی می‌باشد. یکی از عوامل ناهمگن بودن نمونه، عدم توجه به رفتارهای شخصیتی مدیران شرکت‌های موردبررسی می‌باشد که بیش اطمینانی مدیریت از جمله ویژگی‌های رفتاری مهم مدیران

می‌باشد. مدیران بیش اطمینان با بیش از واقع برآورد کردن بازده‌های آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت، ممکن است منجر به تأخیر در شناسایی زیان از طریق برآوردهای خوش‌بینانه در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلندمدت شوند (رامشه و ملانظری، ۱۳۹۳). (Ahmed and Duellman (2013)، بیان می‌کنند بیش اطمینانی، اثر منفی در محافظه‌کاری دارد و نظارت بیرونی قوی، باعث کاهش این آثار منفی نخواهد شد.

با عنایت بر آنچه بیان شد انتظار می‌رود در شرکت‌هایی با مدیران بیش اطمینان، ارتباط درماندگی مالی و فرصت‌های رشد با محافظه‌کاری حسابداری، مورد تعدیل قرار گیرد؛ بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا مدیران شرکت‌هایی با شرایط درمانده مالی و دارای فرصت‌های رو به رشد، از اصول و روش‌های محافظه‌کارانه در سنجش و گزارشگری میزان سود (زیان) و دارایی‌ها بهره، می‌گیرند؟ در این صورت آیا رفتارهای شخصی مدیران شرکت‌ها، بر میزان به‌کارگیری یا عدم به‌کارگیری روش‌های محافظه‌کارانه تأثیر می‌گذارد؟ بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی رابطه درماندگی مالی، فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری حسابداری با نقش تعدیل‌گری بیش اطمینانی مدیریت می‌باشد تا درنهایت، مشخص گردد که اولاً آیا درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر دارند؟ ثانیاً آیا تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های دارای مدیران بیش اطمینان، متفاوت از شرکت‌های فاقد مدیران بیش اطمینان می‌باشد؟ اگر پاسخ مثبت است، این تأثیر به چه صورت می‌باشد؟

در عصری که شرکت‌ها برای ادامه فعالیت در بازارهای رقابتی با چالش‌های فراوانی روبرو بوده و کاهش عدم قطعیت‌های آتی برای آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و همچنین ذی‌نفعان، سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های شرکت‌ها جهت تصمیم‌گیری‌های مالی به اعتبار بالای گزارش‌ها و اطمینان از عدم تقارن اطلاعاتی نیاز دارند، شناسایی عوامل مؤثر بر اعتبار بالای گزارش‌های منتشرشده و در نتیجه کاهش هزینه‌های نمایندگی و افزایش ثروت سهامداران و ارزش شرکت، از اهمیت به‌سزایی

برخوردار است و می‌تواند ذی‌نفعان و تصمیم‌گیرندگان را در امر برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های مختلف یاری رساند. نتایج این پژوهش می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان در راستای اطمینان از اعتبار گزارش‌های مالی و درک ارزش واقعی شرکت در اخذ تصمیم‌های اقتصادی سودمند یاری رساند. همچنین منجر به بسط ادبیات و مبانی نظری متون مرتبط با درماندگی مالی، فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌ها شده و ایده‌های جدید و مرتبط با موضوع پژوهش را برای انجام پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌کند. از طرفی نقش بیش اطمینانی مدیریت در تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری موضوعی بااهمیت بوده که نمونه آن تاکنون در داخل کشور مطالعه نشده است؛ بنابراین، بررسی این ارتباط از نوآوری‌های پژوهش پیش‌رو می‌باشد.

در بخش‌های بعدی پژوهش، مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش، پیشینه‌ای از مطالعات مرتبط با موضوع ارائه گردیده و روش پژوهش شامل جامعه و مدل آماری و متغیرهای استفاده شده ارائه خواهد شد و در نهایت نتایج آماری با آزمون فرضیه‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

مبانی توسعه فرضیه‌های پژوهش

بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران شرکت‌ها جهت دستیابی به منافع و پاداش خود، سود حسابداری را دست‌کاری کرده و بیشتر از واقعیت نشان می‌دهند که با محافظه‌کاری در حسابداری در راستای افزایش قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری در تضاد است؛ زیرا اصل محافظه‌کاری بیان می‌کند، به دلیل فرصت‌طلبی‌های مدیران شرکت‌ها، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نباید متحمل زیان شوند (Humaeroh, 2016).

برای محافظه‌کاری در حسابداری، تعاریف مختلفی ارائه شده است. Basu (1977) بیان می‌کند، در محافظه‌کاری حسابداری، شناسایی اخبار خوب به‌عنوان سود، نسبت به اخبار بد به‌عنوان زیان، به اسناد و مدارک قابل‌اتکاتری نیاز دارد. کاهش انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران در افشای گزارش‌های خوش‌بینانه، افزایش کنترل قراردادهای، کاهش

هزینه‌های دادخواهی و افزایش اعتبار گزارش‌های مالی برخی از مزایای محافظه‌کاری حسابداری می‌باشند (Ball and Shivakumar, 2005). یافته‌های LaFond and Watts (نیز نشان می‌دهد، محافظه‌کاری بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی دارد و می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد) Watts (2003). به‌عنوان حامی محافظه‌کاری معتقد است که محافظه‌کاری یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش مشکلات نمایندگی و بهبود کیفیت گزارش‌های مالی است به‌گونه‌ای که باعث افزایش ارزش یک شرکت و قیمت سهام آن خواهد شد.

Setyaningsih (2008) بیان می‌کند، یکی از عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری حسابداری، درماندگی مالی می‌باشد. درماندگی مالی به دلیل مشکلات مالی که شرکت تجربه می‌کند، می‌تواند به‌عنوان علامت اولیه ورشکستگی تعبیر شود. مشکلات مالی شرکت‌ها می‌تواند سهامداران را به سمت جایگزینی مدیران شرکت ترغیب کند که این به‌نوبه خود باعث از دست رفتن اعتبار مدیران می‌گردد. Risdiyani and Kusmuriyanto (2015) اظهار داشتند، شرکت‌هایی که دچار درماندگی مالی هستند، اصل محافظه‌کاری در حسابداری را رعایت می‌کنند، زیرا شرکت‌ها در پیش‌بینی شرایط اقتصادی آتی دقت بیشتری می‌کنند؛ بنابراین درماندگی مالی باعث بالا بردن سطح محافظه‌کاری حسابداری توسط مدیران می‌باشد (Setyaningsih, 2008). همچنین به بیان Suryandari and Priyanto (2011)، شرکت‌هایی که دچار بحران مالی هستند، برای حفظ اعتبار نزد سهامداران و افزایش امنیت جایگاه مدیریتی خود، اقدام به دست‌کاری سود حسابداری می‌کنند که یکی از مؤلفه‌های ارزیابی عملکرد آنها می‌باشد و در نتیجه موجب کاهش سطح محافظه‌کاری حسابداری می‌گردند. مطابق تئوری علامت‌دهی، درماندگی مالی می‌تواند باعث بالا بردن سطح محافظه‌کاری حسابداری، توسط مدیران گردد (Sari, 2020). یافته‌های (Pramudita (2012) و (Sari (2020) تأییدکننده این تئوری بوده و نشان دادند درماندگی مالی تأثیر مثبت و معناداری بر سطح محافظه‌کاری حسابداری دارد. بر این اساس، فرضیه اول به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: درماندگی مالی بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری حسابداری فرصت‌های رشد می‌باشد که فرصت‌هایی برای رشد شرکت در آینده است (Sari, 2020). از دید سرمایه‌گذاران، رشد یک شرکت نشانه‌ای از وضعیت خوب شرکت است و سرمایه‌گذار انتظار دارد سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته بازده مطلوبی داشته باشد (Novikasari et al. 2014). به بیان Widya (2005)، احتمال اینکه هر چه میزان رشد شرکت‌ها بیشتر باشد، روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه را انتخاب کنند، بالاتر است.

به بیان Holiawati and Resty (2017) هرچه فرصت‌های رشد شرکت بیشتر باشد، نیازهای مالی مورد نیاز شرکت نیز بیشتر خواهد بود. میزان وجوه مورد نیاز شرکت باعث می‌شود تا مدیر اصول محافظه‌کاری را اعمال کرده و با حداقل کردن سود، بتواند بودجه سرمایه‌گذاری را برآورده کند (Deslatu and Susanto, 2018). (Fatmariyani (2013) بیان می‌کند که فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر می‌گذارد یعنی شرکت‌هایی که فرصتی رو به رشد و فزاینده دارند اصول محافظه‌کاری حسابداری را برای کاهش سود اعمال می‌کنند. همچنین یافته‌های Sari (2020)، حاکی از آن است که فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری، تأثیر مثبتی دارد.

رشد فروش مبنایی برای اندازه‌گیری فرصت‌های رشد می‌باشد (Pietro et al. 2017). رشد فروش از طریق ارزش تعهدی و بازاری بر اندازه محافظه‌کاری تأثیر می‌گذارد (Ahmed and Duellman, 2007). رشد بالای فروش، انتظارات از جریان‌های نقدی آتی را که می‌تواند بر بازار محافظه‌کاری تأثیر بگذارد، افزایش می‌دهد. به بیانی رشد فروش شرکت، نشانه دستیابی شرکت به سطح بالای سود می‌باشد و رشد فروش نشان‌گر محافظه‌کار بودن شرکت است (Humaeroh, 2016). به بیان Padmawati and Fachrurrozie (2015)، رشد فروش تأثیر مثبتی بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. بر اساس تئوری علامت‌دهی، انتظار می‌رود با افزایش سرمایه‌گذاری‌های شرکت، جریان‌های نقدی آتی

شرکت نیز افزایش پیدا کند. شرکت‌هایی که نرخ رشد بالایی دارند، انگیزه سود را به حداقل می‌رسانند (Humaeroh, 2016). با توجه به مطالب ارائه شده، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه دوم: فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مستقیم و معناداری

دارد.

مطالعات پیشین ادعا می‌کنند که بیش اطمینانی مدیریت منجر به کاهش سطح محافظه‌کاری حسابداری می‌گردد (Ahmed and Duellman, 2007؛ Hwang et al., 2015). اعتماد بیش از حد به خود یا بیش اطمینانی، یک ویژگی روانی می‌باشد که نشان‌دهنده امیدواری فرد به آینده و در مورد مدیریت شرکت، بیانگر امیدواری مدیریت به آینده شرکت است. مدیران بیش اطمینان نسبت به سودها و جریان‌های نقدی آتی شرکت خود خوش‌بین بوده و چشم‌انداز مثبتی نسبت به بازده آتی شرکت دارند (Maland & Tat, 2005). در این صورت احتمال به کارگیری روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه توسط مدیریت، کمتر بوده (Ahmed and Duellman, 2013) و احتمال بروز اشتباه در گزارش‌های سود به علت تفکرهای خوش‌بینانه مدیریت افزایش می‌یابد (Schrand and Zechman, 2012). لذا این ویژگی به احتمال زیاد منجر به مدیریت سود می‌شود (Hsieh et al., 2014). یافته‌های (Bouwman, 2014) نشان می‌دهد مدیران بیش اطمینان انگیزه بیشتری به بهره گرفتن از سودهای دوره‌های آتی جهت افزایش سود دوره جاری دارند و این نشان‌دهنده تمایل مدیران بیش اطمینان برای گزارش سودهای بالاتر نسبت به سایر مدیران، می‌باشد. در این زمینه یافته‌های شراند و زچمن (2012)، حاکی از آن است که احتمال پیش‌بینی اشتباه مدیران بیش اطمینان به دلیل چشم‌انداز خوش‌بینانه ایشان نسبت به سود دوره‌های آتی، بیشتر است؛ بنابراین انتظار می‌رود مدیران بیش اطمینان، منجر به کاهش سطح محافظه‌کاری حسابداری شده و همچنین رابطه میان درماندگی مالی و فرصت‌های رشد با سطح محافظه‌کاری حسابداری در شرکت را تضعیف کنند. بر این اساس، فرضیه سوم و چهارم پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه سوم: بیش اطمینانی مدیریت، بر رابطه بین درماندگی مالی و محافظه کاری حسابداری تأثیر معکوس و معناداری دارد.

فرضیه چهارم: بیش اطمینانی مدیریت، بر رابطه بین فرصت‌های رشد و محافظه کاری حسابداری تأثیر معکوس و معناداری دارد.

پیشینه پژوهش

Fitiriani (2020) در پژوهش خود به بررسی تأثیر درماندگی و اهرم مالی بر محافظه کاری پرداخت. نتایج نشان داد درماندگی مالی و اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر محافظه کاری حسابداری دارند. (Sari (2020، در پژوهشی به بررسی تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه کاری حسابداری با تعدیل‌گری ریسک دادخواهی شرکت‌ها پرداخت. یافته‌های پژوهش مؤید آن است که درماندگی مالی و فرصت‌های رشد تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه کاری حسابداری داشته و ریسک دادخواهی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر، تأثیر درماندگی مالی بر محافظه کاری حسابداری را تقویت کرده و تأثیر فرصت‌های رشد بر محافظه کاری حسابداری را تضعیف می‌کند. یافته‌های (2020) Sholikhah and Suryani حاکی از آن است که درماندگی مالی و ریسک دادخواهی به‌ترتیب تأثیر منفی و مثبت معناداری بر محافظه کاری حسابداری داشته و همچنین تأثیر تضاد منافع بر محافظه کاری حسابداری دارای ضریب منفی بوده ولی از لحاظ آماری معناداری نمی‌باشد. (Yusnaini (2019 به این نتیجه رسید که درماندگی مالی و ریسک دادخواهی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه کاری حسابداری دارند در حالی که فرصت‌های رشد بر محافظه کاری حسابداری تأثیر معناداری ندارد. همچنین نتایج نشان داد اهرم مالی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر تأثیر معناداری بر ارتباط بین درماندگی مالی، ریسک دادخواهی و فرصت‌های رشد با محافظه کاری حسابداری ندارد. دسلاتو و سوسانتو (2018) به این نتیجه رسیدند که ریسک دادخواهی تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه کاری حسابداری دارد و همچنین مالکیت مدیریتی، هزینه‌های مالیاتی و سیاسی، تعهدات بدهی و فرصت‌های رشد تأثیر معناداری بر محافظه کاری حسابداری ندارند.

(Sugiarto&Fachrurrozie, 2018)، به بررسی عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. یافته‌های ایشان نشان داد، درماندگی و اهرم مالی دارای تأثیر مثبت و معنادار و مالکیت مدیریتی دارای تأثیر منفی و معنادار بر محافظه‌کاری حسابداری هستند. همچنین فرصت‌های سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری ندارد. یافته‌های Fitri (2017) نشان داد، درماندگی مالی تأثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد و همچنین اهرم مالی و مالکیت مدیریتی، تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری ندارند. نتایج پژوهش (Susanto and Ramadhani, 2016) نشان داد، اندازه شرکت و شدت سرمایه‌بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارد در حالی که اهرم مالی، نقدینگی و فرصت‌های رشد، تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری ندارند.

در پژوهش‌های داخلی نیز، اسدی مشیزی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی الگوبندی عوامل تأثیرگذار بر محافظه‌کاری در شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، معیارهای جریان‌های نقدی آزاد، اهرم مالی، مدیریت سود، هزینه سرمایه، استقلال هیئت‌مدیره، بیش اطمینانی مدیریت، پاداش هیئت‌مدیره، اندازه شرکت و کیفیت افشا به ترتیب اولویت از عوامل مؤثر بر معیار محافظه‌کاری حسابداری هستند. کامیابی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی تأثیر فرصت‌های رشد، محدودیت مالی و درماندگی مالی بر سرعت تعدیل نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های کوچک و متوسط پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد شرکت‌های کوچک و متوسط به گونه‌ای سریع، وجه نقد خود را به علت نگرانی از دست دادن فرصت‌های رشد، محدودیت‌های مالی و هزینه‌های مربوط به درماندگی مالی، تعدیل می‌کنند. حسنی القار و رحیمیان (۱۳۹۷)، به بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت در ساختار سررسید بدهی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتیجه پژوهش آن‌ها مؤید آن است که بیش اطمینانی مدیریت، تأثیر مثبت و معناداری در ساختار سررسید بدهی دارد. رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی با

بیش اطمینانی مدیریت رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نظارت خارجی، رابطه بین بیش اطمینانی بر محافظه‌کاری شرطی را کاهش داده، اما تأثیری در محافظه‌کاری غیرشرطی نداشت.

با مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تأثیر در ماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری، مشاهده می‌شود نتایج پژوهش‌ها در بررسی تجربی این ارتباط، متفاوت و متناقض هم بوده‌اند. از مهم‌ترین دلایل این تفاوت‌ها می‌توان به برآورد مدیران از وضعیت آتی شرکت، میزان پاسخ‌گویی قانونی مدیران، خصوصیات اخلاقی و رفتاری مدیران، شرایط اقتصادی و سیاسی کشورها و... اشاره کرد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش یک دوره ۷ ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ در نظر گرفته شده است. در این بازه، محدودیت‌هایی بر جامعه آماری اعمال شده است که عبارت‌اند از: ۱. قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد (در محاسبه‌ی برخی داده‌های سال جاری داده‌های سال قبل را نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد)، ۲. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در طول دوره پژوهش در دسترس باشد، ۳. ضمن تغییر ندادن سال مالی در دوره مطالعه، سال مالی شرکت به ۲۹ اسفند ختم شود، ۴. جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی نظیر بانک‌ها، مؤسسات بیمه و سرمایه‌گذاری‌ها نباشد و ۵. شرکت‌های نمونه وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه در دوره پژوهش نداشته باشند. با توجه به محدودیت‌های ذکر شده، تعداد ۱۱۸ شرکت به‌عنوان نمونه نهایی پژوهش انتخاب شدند.

برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و نیز اطلاعات موجود در سایت اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و سایت رسمی شرکت‌ها استفاده شده است. پس از جمع‌آوری داده‌های آماری، از نرم‌افزار Excel به منظور جمع‌بندی و محاسبات مورد نیاز

بهره گرفته شد و نتایج آن در نرم‌افزارهای آماری EViews، Stata و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

متغیرهای پژوهش و روش‌های اندازه‌گیری

متغیر وابسته: متغیر وابسته در این پژوهش، محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد که با استفاده از مدل گیولی و هاین محاسبه شده است. جمع اقلام تعهدی عملیاتی و اقلام تعهدی غیرعملیاتی بر اساس مدل گیولی و هاین^۱ (۲۰۰۰)، با استفاده از روابط (۱)، (۲) و (۳) محاسبه می‌شود:

$$ACC_{it} = NI_{it} + DEP_{it} - CFO_{it} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$OACC_{it} = \Delta AR_{it} + \Delta L_{it} - \Delta PE_{it} - \Delta AP_{it} - \Delta TP_{it} \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$NOACC_{it} = ACC_{it} - OACC_{it} \quad \text{رابطه (۳)}$$

| | |
|---|--|
| NI_{it} : سود خالص | ACC_{it} : جمع اقلام تعهدی |
| CFO_{it} : جریان وجه نقد عملیاتی | DEP_{it} : اسهلاک سالانه |
| ΔAR_{it} : تغییر در حساب‌های دریافتی | $OACC_{it}$: اقلام تعهدی عملیاتی |
| ΔPE_{it} : تغییر در پیش پرداخت‌ها | ΔL_{it} : تغییر در موجودی کالا |
| ΔTP_{it} : تغییر در مالیات‌های پرداختی | ΔAP_{it} : تغییر در حساب‌های پرداختی |
| $NOACC_{it}$: اقلام تعهدی غیرعملیاتی (معیار محافظه‌کاری که در منفی یک ضرب می‌شود). | |

درحالی‌که اقلام تعهدی عملیاتی (سرمایه در گردش)، از فعالیت‌های مستمر و معمول شرکت ناشی می‌شوند، اقلام تعهدی غیرعملیاتی ناشی از تغییر در برآوردها، سود و زیان فروش دارایی‌ها، زیان کاهش ارزش دارایی‌های ثابت، درآمدهای انتقالی به دوره‌های آتی و سرمایه‌ای کردن مخارج می‌باشد (Givoly and Hayn (2000). از آن‌جا که مقادیر کوچک‌تر (منفی‌تر) اقلام تعهدی غیرعملیاتی نشان‌گر سطوح بالاتر محافظه‌کاری هستند،

در پژوهش حاضر برای همسو کردن جهت مقادیر جبری اقلام تعهدی غیر عملیاتی با میزان محافظه کاری، از قرینه این اقلام استفاده شده است.

متغیرهای مستقل: درماندگی مالی: برای شناسایی شرکت‌های درمانده مالی از معیار آسکویت و همکاران (۱۹۹۴)، بهره گرفته شده است. مطابق این معیار، شرکتی درمانده مالی شناخته می‌شود که در دو سال متوالی، سود قبل از بهره، مالیات و استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود شرکت کمتر از هزینه بهره گزارش شده باشد و یا در هر سال، سود قبل از بهره، مالیات و استهلاک شرکت، کمتر از ۸۰ درصد هزینه بهره باشد. در صورتی که شرکتی مشمول یکی از حالت‌های بیان شده باشد، درمانده مالی تلقی شده و عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر اختصاص داده می‌شود. این معیار بر اساس پژوهش علی‌اکبرلو و همکاران (۱۳۹۹)، بهترین روش در شناسایی شرکت‌های درمانده مالی انتخاب شده است.

فرصت‌های رشد: برای سنجش متغیر فرصت‌های رشد، از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام استفاده شده است؛ زیرا این معیار هم یک شاخص کارآمد است و هم امکان مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش‌های دیگر را فراهم می‌کند (سینایی و همکاران، ۱۳۹۰). نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بالاتر بیان‌گر ارزش بالاتر به علت وجود فرصت‌های رشد خواهد بود و برعکس (Cuervo, 2002).

متغیر تعدیل‌گر: بیش اطمینانی مدیریت: پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و خوش‌بین بودن به بازده آتی سرمایه‌گذاری‌ها تحت تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بوده و بیان‌گر بیش اطمینانی مدیریت شرکت می‌باشد (Duellman et al. 2015)؛ بنابراین مطابق با پژوهش مهرانی و طاهری (۱۳۹۶)، برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی از معیار^۱ Over-Invest که مرتبط با سرمایه‌گذاری است، استفاده می‌شود. برای این منظور ابتدا مدل رگرسیونی رابطه (۴) به صورت مقطعی برآورد شده و سپس در هر سال، باقی‌مانده

۱. سرمایه‌گذاری بیش از حد

محاسبه خواهد شد. در صورتی که باقی‌مانده مدل برای شرکتی مثبت باشد، بیانگر این است که شرکت مذکور سرمایه‌گذاری بیش از حد انجام داده است و برای این متغیر عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر لحاظ می‌گردد.

$$Asset.Growth_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Sale.Growth_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۴)}$$

در رابطه فوق، $Asset.Growth_{i,t}$ ، نشان‌دهنده رشد دارایی‌های شرکت i در سال t و $Sale.Growth_{i,t}$ ، بیانگر رشد فروش شرکت i در سال t می‌باشد و به صورت روابط (۵) و (۶) محاسبه می‌شوند.

$$Asset.Growth_{i,t} = \frac{Assets_{i,t} - Assets_{i,t-1}}{Assets_{i,t-1}} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$$Sale.Growth_{i,t} = \frac{Sales_{i,t} - Sales_{i,t-1}}{Sales_{i,t-1}} \quad \text{رابطه (۶)}$$

متغیرهای کنترلی: سررسید بدهی: یکی از عوامل تعیین‌کننده محافظه‌کاری حسابداری، تصمیم‌های مرتبط با سررسید بدهی می‌باشد. کوتاه بودن سررسید بدهی‌ها اجازه کنترل‌های بهتر را برای مدیر فراهم می‌کند؛ زیرا سررسید بدهی کوتاه‌تر، باعث افزایش انگیزه مذاکره مجدد برای تمدید بدهی شده و اعتباردهندگان هم قرارداد دقیق‌تری را با قرض‌گیرنده منعقد کرده و می‌توانند با مشخص شدن عملکرد شرکت در طی اولین دوره، برای تصمیم‌گیری در خصوص تمدید یا تغییر شرایط قرارداد اقدام نمایند (شعری آناقیز و حسنی القار، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری سررسید بدهی از نسبت بدهی کوتاه‌مدت به کل بدهی استفاده شده است. در این نسبت هر چه میزان استفاده از بدهی کوتاه‌مدت بیشتر باشد، در واقع سررسید بدهی‌های یک شرکت کوتاه‌تر است (Huang et al., 2016).

نرخ بازده دارایی‌ها: بازده دارایی‌ها بیان‌گر مدیریت استفاده از دارایی‌ها در جهت سودآوری می‌باشد. از نظر تنوری، شرکت‌های سودآور (دارای بازده دارایی بیشتر)، نسبت به سایر شرکت‌ها بهتر می‌توانند از عهده محافظه‌کاری حسابداری برآیند. نتایج پژوهش گیولی و هاین (۲۰۰۰)، نشان می‌دهد که هرچه شاخص سودآوری (بازده دارایی) شرکت‌ها بیشتر باشد، محافظه‌کاری حسابداری نیز بیشتر است. برای اندازه‌گیری این متغیر، از نسبت سود سالیانه به کل دارایی‌ها شرکت، استفاده شده است (صالحی و یوسفی، ۱۳۹۵).

نرخ رشد فروش: با توجه به اینکه رشد فروش می‌تواند بر ارقام تعهدی نظیر تغییرات در حساب‌های دریافتی و موجودی کالا داشته باشد و در نتیجه بر شاخص محافظه‌کاری مبتنی بر ارقام تعهدی تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد. یافته‌های نیکومرام و بنی مهد (۱۳۸۷)، حاکی از آن است که رشد و توسعه شرکت ارتباط مستقیمی با محافظه‌کاری حسابداری دارد. پیرو پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۷)، در این پژوهش فرصت‌های رشد به صورت درصد رشد فروش خالص $(NS_t - NS_{t-1}) / NS_{t-1}$ محاسبه می‌گردد. برای آزمون فرضیه‌ها که تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های با مدیران بیش اطمینان و فاقد مدیران بیش اطمینان را مورد بررسی قرار می‌دهند، از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است.

$$\begin{aligned} Con_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 Distress_{i,t} + \beta_2 Growth_{i,t} + \beta_3 MMC_{i,t} + \\ & \beta_4 MMC_{i,t} * Distress_{i,t} + \beta_5 MMC_{i,t} * Growth_{i,t} + \\ & \beta_6 STDebt_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 SGR_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{رابطه (۷)}$$

در مدل فوق، Con نشان‌دهنده محافظه‌کاری حسابداری؛ Distress درماندگی مالی؛ Growth فرصت‌های رشد؛ MMC بیش اطمینانی مدیریت؛ STDebt سررسید بدهی؛ ROA نرخ بازده دارایی و SGR نشان‌دهنده نرخ رشد فروش می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش اطلاعات مربوط به آمار توصیفی پژوهش، شامل؛ میانگین، میانه، بیشینه، کمینه، انحراف معیار و احتمال آماره جاک‌برا هر یک از متغیرها در جدول (۱)، ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| الف) متغیرهای کمی | | | | | | |
|---------------------|-----------------------------------|---------|--------------|---------|--------|--------------|
| متغیر | نماد | میانگین | میانه | بیشینه | کمینه | انحراف معیار |
| محافظه کاری | Con | ۰/۰۲۳ | ۰/۰۲۷ | ۰/۳۴۵ | -۰/۳۶۴ | ۰/۱۴۴ |
| فرصت‌های رشد | Growth | ۲/۳ | ۱/۹۶ | ۹/۴۱۲ | -۲/۱۹۳ | ۲/۰۰۲ |
| سررسید بدهی | STDebt | ۰/۸۷۶ | ۰/۹۱۸ | ۰/۹۹۸ | ۰/۴۵۸ | ۰/۱۲۲ |
| نرخ بازده دارایی | ROA | ۰/۰۸۷ | ۰/۰۷۲ | ۰/۴۲۶ | -۰/۲۴۲ | ۰/۱۲۸ |
| نرخ رشد فروش | SGR | ۰/۲۱۳ | ۰/۱۶۳ | ۱/۲۹۵ | -۰/۴۳۱ | ۰/۳۶ |
| ب) متغیرهای کیفی | | | | | | |
| متغیر | شرح | فراوانی | درصد فراوانی | جاک‌برا | | |
| درماندگی مالی | شرکت‌های درمانده مالی | ۷۹ | ۱۰ | ۰/۰۰۰ | | |
| | شرکت‌های غیردرمانده مالی (سال‌م) | ۷۴۷ | ۹۰ | | | |
| | جمع کل | ۸۲۶ | ۱۰۰ | | | |
| بیش اطمینانی مدیریت | شرکت‌های دارای مدیران بیش اطمینان | ۲۹۱ | ۳۵ | ۰/۰۰۰ | | |
| | شرکت‌های فاقد مدیران بیش اطمینان | ۵۳۵ | ۶۵ | | | |
| | جمع کل | ۸۲۶ | ۱۰۰ | | | |

مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌گر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع بوده و برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها بسیار مناسب می‌باشد. سطح محافظه‌کاری شرکت‌های موردبررسی به‌طور متوسط ۰/۰۲۳ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر مشاهدات این متغیر، حول نقطه ذکر شده بوده است. انحراف معیار داده‌ها، پراکندگی داده‌ها از میانگین

را نشان می‌دهد که بیشترین و کمترین مقدار انحراف معیار، متعلق به متغیرهای فرصت‌های رشد (۲/۰۰۲) و سررسید بدهی (۰/۱۲۲) است.

همچنین با توجه به این که متغیرهای درماندگی مالی و بیش اطمینانی مدیریت که به ترتیب با نمادهای Distress و MMC نشان داده شده‌اند، از نوع متغیرهای مجازی (دو وجهی) می‌باشند. لذا در قسمت (ب) جدول (۱)، توزیع فراوانی این متغیرها ارائه شده است. آمار نمونه‌ها نشان می‌دهد از ۸۲۶ سال-شرکت ۷۹ شرکت به عبارتی ۱۰ درصد شرکت‌ها درمانده و بقیه غیردرمانده مالی می‌باشند. همچنین از ۸۲۶ سال-شرکت ۲۹۱ شرکت به عبارتی ۳۵ درصد شرکت‌ها دارای مدیران بیش اطمینان هستند و بقیه شرکت‌ها فاقد مدیران بیش اطمینان می‌باشند.

بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

برای تعیین مانایی متغیرهای پژوهش از آزمون لوین، لین و چو و فیشر استفاده شده است. در صورتی که متغیرها مانا نباشند، باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود که فرض صفر آزمون‌های مذکور، وجود ریشه واحد یا به‌طور معادل عدم توانایی متغیرها می‌باشد. نتایج نشان داد احتمال آماره متغیرها طی دوره پژوهش بر اساس هر دو آزمون مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد، کمتر از ۵ درصد بوده است؛ بنابراین مانا بودن متغیرها تأیید می‌شود و در نتیجه باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب نخواهد شد.

همبستگی بین متغیرهای پژوهش

یکی از مفروضات مدل‌های رگرسیونی، عدم وجود همبستگی دوه‌دو و چندگانه بین متغیرهای مستقل پژوهش می‌باشد. به دلیل به غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها برای بررسی همبستگی بین متغیرها از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس جدول همبستگی و با توجه به احتمال آماره دوه‌دو متغیرها، به دلیل شدید نبودن (بالتر از ۸۰ درصد) همبستگی بین آن‌ها و یا در اصطلاح پایین بودن همبستگی بین متغیرها از سطح شدید، هم‌خطی شدید

دوبه‌دو مشاهده نشد. همچنین در این پژوهش برای آزمون هم‌خطی، از آزمون‌های تورم واریانس و تولرانس استفاده شده است. هم‌خطی چندگانه عامل تورم واریانس و تولرانس برای تمامی متغیرهای پژوهش، به ترتیب کمتر از عدد ۵ و بیشتر از ۰/۱ به‌دست آمده است که نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی بالا بین متغیرهای پژوهش می‌باشد و منجر به تفسیر نتایج به‌دست آمده با اطمینان بیشتر می‌گردد.

تعیین مدل داده‌های پژوهش و نوع اثرات آن‌ها

یکی از مواردی که جهت انتخاب آزمون رگرسیونی مناسب مورد تأکید و استفاده قرار می‌گیرد، تشخیص مدل داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی (پانل) جهت برآورد مدل می‌باشد. برای این منظور از آزمون بروش-پاگان در این پژوهش استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون بروش-پاگان و هاسمن

| نتیجه آزمون | هاسمن | | نتیجه آزمون | بروش-پاگان | |
|-------------|--------------|-------------|-------------|--------------|-------------|
| | احتمال آماره | مقدار آماره | | احتمال آماره | مقدار آماره |
| اثرات ثابت | ۰/۰۰۳ | ۲۲/۹۰۳ | پانل | ۰/۰۰۰ | ۳۵/۷۵۶ |

با توجه به جدول (۲)، نتیجه حاصل از آزمون مذکور برای مدل‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش حاکی از این است که فرض صفر این آزمون رد شده و داده‌های مربوطه از روش تابلویی (پانل) تبعیت می‌کنند. همچنین برای مشخص کردن الگوی فرضیه‌ها و انتخاب یکی از دو الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن بهره گرفته شده است. با توجه به جدول (۲)، فرض صفر این آزمون رد شده و می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مناسب برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، الگوی اثرات ثابت می‌باشد.

آزمون ناهمسانی واریانس‌ها و خود همبستگی فرضیه‌های پژوهش

قبل از برآورد مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه پژوهش به بررسی ناهمسانی واریانس و خود همبستگی سریالی بین اجزای اخلاص مدل پرداخته می‌شود. برای این منظور از آزمون

والد تعدیل شده برای کشف ناهمسانی واریانس و از آزمون ولدریج برای بررسی خود همبستگی سریالی استفاده شده است. نتایج آزمون والد تعدیل شده در جدول (۳)، نشان می‌دهد که بین اجزای اخلال مدل ناهمسانی واریانس وجود دارد. در نتیجه برای رفع ناهمسانی واریانس در این پژوهش در برازش نهایی مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌شود. همچنین جدول (۳)، نتایج آزمون ولدریج را نشان می‌دهد، حاکی از این است که مشکل خود همبستگی وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج آزمون والد تعدیل شده و ولدریج

| نتیجه آزمون | ولدریج | | نتیجه آزمون | والد تعدیل شده | |
|------------------|--------------|-------------|---------------|----------------|-------------|
| | احتمال آماره | مقدار آماره | | احتمال آماره | مقدار آماره |
| خودهمبستگی ندارد | ۰/۰۹۵ | ۲/۸۲۴ | ناهمسانی دارد | ۰/۰۰۰ | ۱۸۶۳۴/۹ |

آزمون نهایی فرضیه‌های پژوهش

پس از انجام آزمون ناهمسانی واریانس، آزمون خودهمبستگی و تعیین نوع مدل، با استفاده از نتایج آن‌ها اقدام به برازش مدل رگرسیونی شد که نتایج حاصله به تفکیک فرضیه‌ها در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه پژوهش

| احتمال | آماره t | انحراف معیار | ضرایب | متغیرها |
|--------|---------|--------------|--------|-------------------------------------|
| ۰/۰۱۹ | ۲/۳۴۶ | ۰/۰۱۵ | ۰/۰۳۵ | درماندگی مالی |
| ۰/۰۲۴ | ۲/۲۵۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۰۴ | فرصت‌های رشد |
| ۰/۱۰۸ | -۱/۶ | ۰/۰۰۷ | -۰/۰۱۱ | بیش اطمینانی مدیریت |
| ۰/۸۲۸ | -۰/۲۱۷ | ۰/۰۱۸ | -۰/۰۰۴ | درماندگی مالی * بیش اطمینانی مدیریت |
| ۰/۰۰۱ | -۳/۲۴۴ | ۰/۰۰۲ | -۰/۰۰۶ | فرصت‌های رشد * بیش اطمینانی مدیریت |
| ۰/۷۱۵ | ۰/۳۶۴ | ۰/۰۲۸ | ۰/۰۱ | سررسید بدهی |
| ۰/۰۰۰ | -۱۸/۰۷۸ | ۰/۰۴ | -۰/۷۲۸ | نرخ بازده دارایی |
| ۰/۰۱۵ | ۲/۴۲۸ | ۰/۰۰۶ | ۰/۰۱۵ | نرخ رشد فروش |

| متغیرها | ضرایب | انحراف معیار | آماره t | احتمال |
|----------------------|-------|--------------|---------|--------|
| مقادیر ثابت | ۰/۰۷۱ | ۰/۰۲۶ | ۲/۷۱۱ | ۰/۰۰۶ |
| ضریب تعیین | | | ۰/۶۸۴ | |
| ضریب تعیین تعدیل‌شده | | | ۰/۶۲۸ | |
| آماره دوربین واتسون | | | ۲/۱۱۴ | |
| آماره F | | | ۱۲/۱۶۵ | |
| احتمال آماره F | | | ۰/۰۰۰ | |

نتایج بررسی تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های با مدیران بیش اطمینان در جدول (۴) ارائه شده است.

معناداری آماره $F(۰/۰۰۰)$ ، بیان‌گر معناداری کل مدل بوده در نتیجه مدل مربوط به فرضیه‌های پژوهش می‌تواند ارتباط بین متغیرهای موردنظر را توضیح دهد. ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل، تعدیل‌گر و کنترلی حدود ۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۱۱۴۷) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد که نشان می‌دهد خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد.

فرضیه اول و دوم پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین درماندگی مالی و فرصت‌های رشد با محافظه‌کاری حسابداری می‌پردازد. با توجه به ضریب رگرسیونی درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری که به ترتیب برابر با (۰/۰۳۵) و (۰/۰۰۴) بوده و احتمال آماره آن‌ها کمتر از سطح اطمینان ۵ درصد (به ترتیب برابر با ۰/۰۱۹ و ۰/۰۲۴) می‌باشد، می‌توان ادعا کرد که درماندگی مالی و فرصت‌های رشد با محافظه‌کاری حسابداری رابطه مستقیم و معناداری دارند و دلیلی بر رد فرضیه‌های یک و دو پژوهش وجود ندارد. پس می‌توان گفت مدیران شرکت‌های درمانده، عدم اطمینان محیطی را مدنظر قرار می‌دهند. به بیانی شرکت‌هایی که دچار درماندگی مالی هستند، سطح

محافظه‌کاری حسابداری را افزایش می‌دهند. همچنین در شرکت‌های بزرگ و در حال رشد، سطح محافظه‌کاری حسابداری بالاتر می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد، تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر رابطه بین درماندگی مالی و محافظه‌کاری حسابداری، دارای ضریب $-0/004$ می‌باشد ولی احتمال آماره آن بالاتر از سطح اطمینان ۵ درصد ($0/828$) می‌باشد و این تأثیر از نظر آماری معنادار نمی‌باشد و فرضیه سوم پژوهش با سطح اطمینان ۹۵ تأیید نمی‌گردد. همچنین بیش اطمینانی مدیریت، با ضریب $-0/006$ و با احتمال آماره $0/001$ که بیشتر از سطح اطمینان ۵ درصد می‌باشد، بر رابطه بین فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری حسابداری تأثیر منفی دارد و فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر تأثیر معکوس بیش اطمینانی مدیریت بر ارتباط بین فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری حسابداری، با سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأیید می‌گردد.

همچنین با بررسی سایر متغیرهای تأثیرگذار بر محافظه‌کاری حسابداری که به‌عنوان متغیر کنترلی وارد مدل شده‌اند، نتایج نشان می‌دهد؛ سررسید بدهی بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مثبتی دارد ولی با توجه به احتمال آماره این متغیر که بالاتر از سطح اطمینان ۵ درصد می‌باشد، این تأثیر از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین ضریب رگرسیونی و احتمال آماره متغیر نرخ بازده دارایی نشان می‌دهد، این متغیر تأثیر منفی و معناداری بر سطح محافظه‌کاری حسابداری دارد. به بیانی دیگر، با افزایش میزان رشد دارایی‌های شرکت احتمالاً مدیران نسبت به عملکرد آتی شرکت در جهت مثبت بودن، امیدوار بوده و سطح محافظه‌کاری را پایین نگه می‌دارند. متغیر کنترلی دیگر پژوهش نرخ رشد فروش می‌باشد. با توجه به این که ضریب رگرسیونی مربوط به نرخ رشد فروش برابر با $0/015$ و احتمال آماره آن کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت نرخ رشد فروش تأثیر مثبت و معناداری بر سطح محافظه‌کاری حسابداری دارد و بر اساس تئوری علامت‌دهی، افزایش در فروش می‌تواند جریان‌های نقدی آتی شرکت را نیز افزایش دهد و شرکت‌هایی که نرخ رشد بالایی دارند، می‌توانند انگیزه کافی برای حداقل کردن سود داشته باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین درماندگی مالی و فرصت‌های رشد با محافظه‌کاری حسابداری و همچنین تأثیر نقش بیش اطمینانی مدیریت بر رابطه بین آن‌ها در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای این منظور شرکت‌ها بر اساس مازاد سرمایه‌گذاری، به دو گروه شرکت‌های با مدیران بیش اطمینان و شرکت‌های فاقد مدیران بیش اطمینان دسته‌بندی شدند. بر این اساس چهار فرضیه جداگانه تدوین شد و تحت بررسی و آزمون قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی (پانل) استفاده شد.

مطابق با تئوری علامت‌دهی، مدیران شرکت‌هایی که دچار مشکلات مالی هستند و چشم‌انداز مطلوبی نسبت به وضعیت آتی شرکت ندارند، سطح محافظه‌کاری حسابداری را افزایش می‌دهند که فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه درماندگی مالی با محافظه‌کاری حسابداری ارتباط مستقیم و معناداری دارد، همسو با تئوری علامت‌دهی می‌باشد. به بیان دیگر، شرکت‌هایی که دچار درماندگی مالی می‌شوند، اصول محافظه‌کاری را ارائه صورت‌های اعمال می‌کنند. نتیجه فرضیه مطرح‌شده با نتایج پژوهش‌های خارجی نظیر سوگیارتو و فاکرروزی (۲۰۱۸)، یوسانی (۲۰۱۹) و ساری (۲۰۲۰) سازگار می‌باشد و از طرفی نتایج به‌دست‌آمده مغایر با یافته‌های فیتری (۲۰۱۷)، فیتریانی (۲۰۲۰)، شولیکووا و سوریانی (۲۰۲۰) می‌باشد که بیان می‌کنند، درماندگی مالی منجر به کاهش سطح محافظه‌کاری حسابداری می‌شود. سطح بالای درماندگی مالی یک شرکت باعث می‌شود سهامداران مدیر را در نتیجه عملکرد ضعیفش، تغییر دهند. این امر تهدیدی برای مدیران محسوب می‌گردد تا در گزارش‌های مالی وضعیت شرکت را نسبت به واقعیت بهتر نشان داده و سطح محافظه‌کاری حسابداری را کاهش دهند؛ بنابراین از عوامل مؤثر در مغایرت نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌های دیگر می‌توان به قدرت و میزان پاسخ‌گویی قانونی

مدیران به سهامداران، شرایط قراردادهای بین مدیران و سهامداران و... در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران اشاره کرد.

هر چه فرصت رشد شرکت بیشتر باشد، نیاز به بودجه موردنیاز شرکت نیز بیشتر خواهد بود. میزان وجوه موردنیاز شرکت باعث می‌شود تا مدیران اصول محافظه‌کاری را در راستای تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری، اعمال کنند. همچنین همان‌طور که زیمرمن^۱ (۱۹۸۳) بیان کرد شرکت‌های بزرگ و در حال رشد تمایل دارند در سنجش و گزارش‌های حسابداری خود، برای به حداقل رساندن هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و اجتناب از نظارت شدید دولت، محافظه‌کارانه‌تر عمل کنند، با فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه فرصت‌های رشد با محافظه‌کاری حسابداری ارتباط مستقیم و معناداری دارد، مطابقت دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌هایی از قبیل ویدیا (۲۰۰۵)، فاطماریانی (۲۰۱۳)، دویتاینتی و فهلفی (۲۰۱۵)، ساری (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

باید توجه داشت که علاوه بر تأثیر وضعیت و شرایط خاص شرکت‌ها (درماندگی مالی و فرصت‌های رشد) بر میزان محافظه‌کاری حسابداری آن‌ها که در فرضیه‌های اول و دوم موردبررسی قرار گرفت، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت مدیران نیز می‌تواند در میزان اثر آن‌ها تأثیرگذار باشد. نتیجه فرضیه سوم نشان می‌دهد، متغیر تعدیل‌گر بیش اطمینانی مدیریت، بر رابطه بین درماندگی مالی و محافظه‌کاری تأثیر معناداری ندارد. در واقع می‌توان نتیجه گرفت در بورس اوراق بهادار تهران، مدیران شرکت‌ها با روحیات اخلاقی متفاوت، در شرایط درماندگی مالی تصمیم‌های یکسانی را در مورد سطح محافظه‌کاری حسابداری اتخاذ می‌کنند. نتیجه این فرضیه با یافته‌های احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) و هوانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۵) سازگار نمی‌باشد. از دلایل رد فرضیه می‌توان این‌گونه بیان کرد که؛ در شرکت‌هایی با شرایط مالی نامطلوب، حتی مدیران بیش اطمینان هم نسبت بهبود به وضعیت فروش، سودآوری و ساختار مالی آتی شرکت با توجه به رکود

1. Zimmerman
2. Hwang et al.

اقتصادی و بحران‌های مالی، خوش‌بین نبوده و خصوصیات رفتاری آن‌ها نیز بر کاهش سطح محافظه‌کاری مؤثر نمی‌باشد. همچنین نتیجه آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد، بیش اطمینانی مدیریت، بر رابطه بین فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری حسابداری، تأثیر منفی و معناداری دارد. به بیانی دیگر، در شرکت‌های با مدیران بیش اطمینان، سطح محافظه‌کاری حسابداری کاهش می‌یابد و مدیران اصول حسابداری خوش‌بینانه‌تری را جهت جذب سرمایه‌گذاران و دریافت بودجه بیشتر برای شرکت به کار می‌گیرند. نتیجه این فرضیه با یافته‌های احمد و دونلمن (۲۰۱۳) و هوانگ و همکاران (۲۰۱۵)، سازگار می‌باشد.

با توجه به آزمون فرضیه‌ها و نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد‌های کاربردی در ادامه مطرح می‌شود؛ سهامداران و اعتباردهندگان هنگام سرمایه‌گذاری، در تصمیمات خود وضعیت مالی شرکت مدنظر را قرار می‌دهند و سعی می‌کنند در شرکتی اقدام به سرمایه‌گذاری کنند که وضعیت و ساختار مالی مطلوبی داشته باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود به پایین بودن سطح محافظه‌کاری حسابداری توجه داشته باشند، چراکه ممکن است بخشی از وضعیت مالی مطلوب شرکت مدنظر در نتیجه اقدام‌های غیرمحافظه‌کارانه مدیران باشد. همچنین استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری برای سیاست و تصمیم‌های مربوطه به تغییر روند سطح محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌ها توجه داشته باشند. از طرفی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی، به اطلاعات مقایسه‌ای (مانند میزان فروش و دارایی) دوره‌های مختلف شرکت‌ها توجه داشته باشند که بر اساس نتایج پژوهش، شرکت‌هایی که دارای فرصت‌های رشد هستند، اصل محافظه‌کاری حسابداری را رعایت کرده و ذخایر پنهان برای سرمایه‌گذاری وجود دارد و در نتیجه شرکت دارای پتانسیل رشد می‌باشد.

علاوه بر پیشنهاد‌های کاربردی، برای پژوهش‌های بعدی در جهت گسترش ادبیات نظری حسابداری پیشنهاد می‌شود؛ تأثیر متغیرهایی مانند شدت سرمایه‌گذاری، طرح پاداش مدیران، ساختار بازار محصول و سایر عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری حسابداری که تاکنون

موردبررسی قرار نگرفته‌اند را بررسی کنند. باید توجه داشت دوره‌های رکود و رونق اقتصادی، مصادف با بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی بوده و ممکن است بر وضعیت مالی و نگرش مدیران در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر واقع شود، بنابراین بررسی روابط متغیرهای این پژوهش در دوره‌های رکود و رونق اقتصادی و مقایسه نتایج آن‌ها پیشنهاد می‌گردد.

ORCID

Mehdi Heidari  <http://orcid.org/0000-0002-0148-1470>

Alireza Aliakbarlou  <http://orcid.org/0000-0002-4493-2163>

Ebrahim Khakpour  <http://orcid.org/0000-0003-1892-2209>

Heydaranlou



منابع

- اسدی مشیزی، محمدحسین؛ حاجی‌ها، زهره؛ جعفری، سیده محبوبه. (۱۳۹۹). الگوبندی عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری در شرکت‌ها. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲(۴۷)، ۱۳۹-۱۶۷.
- حسنی القار، مسعود؛ رحیمیان، نظام‌الدین. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت در ساختار سررسید بدهی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدیریت‌داری و تأمین مالی*، ۱(۱)۶، ۸۹-۱۰۶.
- حیدری، مهدی؛ منصورفر، غلامرضا؛ قاسم‌زاده، مرتضی. (۱۳۹۷). نوسان‌پذیری سود و تصمیم‌ها ساختار سرمایه با نقش تعدیل‌گری درماندگی مالی؛ رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری. *تحقیقات مالی*، ۲۰(۲)، ۲۲۷-۲۴۸.
- رامشه، منیژه؛ ملانظری، مهناز. (۱۳۹۳). بیش اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری. *مجله دانش حسابداری*، ۵(۱۶)، ۵۵-۷۹.
- سینایی، حسنعلی؛ سلگی، محمد؛ محمدی، کامران. (۱۳۹۰). تأثیر فرصت‌های رشد بر رابطه بین ساختار سرمایه، سود تقسیمی و ساختار مالکیت با ارزش شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۳(۴)، ۸۷-۱۰۲.
- شعری‌آناقیز، صابر؛ حسنی‌القار، مسعود. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه‌کاری حسابداری. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۷)، ۱۷-۳۰.
- صالحی، مهدی؛ یوسفی، سمیه. (۱۳۹۵). رابطه ساختار سرمایه با بازده دارایی‌ها و با تأکید بر تورم ایجادشده حاصل از تصمیم‌گیری‌های دولت. *راهبرد مدیریت مالی*، ۴(۱)، ۳۷-۵۷.
- علی‌اکبرلو، علیرضا؛ منصورفر، غلامرضا؛ غیور، فرزاد. (۱۳۹۹). مقایسه معیارهای تشخیص شرکت‌های درمانده مالی با استفاده از رگرسیون لجستیک و روش‌های هوش مصنوعی. *چشم‌انداز مدیریت مالی*، ۱۰(۲۹)، ۱۴۷-۱۶۶.
- کامیابی، یحیی؛ حسن‌نتاج‌کردی، محسن؛ ابراهیمی، جمیل. (۱۳۹۸). تأثیر فرصت‌های رشد، محدودیت مالی و درماندگی مالی بر سرعت تعدیل‌نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های کوچک و متوسط. *دانش حسابداری مالی*، ۶(۴)، ۹۹-۱۳۱.

- مشکی میاوقی، مهدی؛ الهی رودپشتی، سمانه. (۱۳۹۳). بررسی اثر محافظه‌کاری بر ارزش بازار وجه نقد نگهداری شده. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۳)، ۲۳-۴۳.
- مهرانی، ساسان؛ طاهری، منصور. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر خطای پیش‌بینی سود. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷(۴)، ۱۴۷-۱۶۷.
- نیکومرام، هاشم؛ بنی مهد، بهمن. (۱۳۸۷). تبیین و ارائه الگو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری. *آینده پژوهشی مدیریت*، ۱۹(۷۷)، ۱-۱۶.

References

- Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2007). Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis. *Journal of accounting and economics*, 43(2-3), 411-437.
- Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1-30.
- Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness. *Journal of accounting and economics*, 39(1), 83-128.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.
- Bouwman, C. H. (2014). Managerial optimism and earnings smoothing. *Journal of Banking & Finance*, 41, 283-303.
- Cuervo, A. (2002). Corporate governance mechanisms: A plea for less code of good governance and more market control. *Corporate Governance: An International Review*, 10(2), 84-93.
- Deslatu, S., & Susanto, Y. K. (2018). Pengaruh Kepemilikan Managerial, Debt Covenant, Litigation, Tax and Political Costs dan Kesempatan Bertumbuh terhadap Konservatisme Akuntansi. *EKUITAS (Jurnal Ekonomi dan Keuangan)*, 14(2), 137-151.
- Duellman, S., Hurwitz, H., & Sun, Y. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), 148-165.
- Fatmariyani, F. (2013). Pengaruh Struktur Kepemilikan, Debt Covenant Dan Growth Opportunities Terhadap Konservatisme Akuntansi Pada Perusahaan Manufaktur Yang Terdaftar Di Bursa Efek Indonesia. *Jurnal Akuntansi*, 1(1), 1-20.
- Fitri, G. A. (2017). *Analisis Pengaruh Financial Distress, Leverage dan Kepemilikan Manajerial Perusahaan terhadap Penerapan Konservatisme dalam Akuntansi (Studi Empiris pada Perusahaan*

- Manufaktur yang Terdaftar di Bursa Efek Indonesia Tahun 2011-2015* (Doctoral dissertation, Universitas Negeri Padang).
- Fitriani, A. (2020). Pengaruh Financial Distress Dan Leverage Terhadap Konservatisme Akuntansi Pada Perusahaan Retail di Indonesia. *Equilibrium: Jurnal Ekonomi-Manajemen-Akuntansi*, 16(2), 82-93.
- Givoly, D., & Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?. *Journal of accounting and economics*, 29(3), 287-320.
- Holiawati., & Resty, J. (2017). Tax Incentives, Growth Opportunities and Size of Companies with Conservatisme Accounting Applications. *International Journal of Scientific Research in Science and Technology (IJSRST)*, 3(3), 586-591.
- Hsieh, T. S., Bedard, J. C., & Johnstone, K. M. (2014). CEO overconfidence and earnings management during shifting regulatory regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(9-10), 1243-1268.
- Huang, R., Tan, K. J. K., & Faff, R. W. (2016). CEO overconfidence and corporate debt maturity. *Journal of Corporate Finance*, 36, 93-110.
- Humaeroh, S. (2016). *The Effect of Good Corporate Governance, Growth Opportunities and Sales Growth to Accounting Conservatism* (Bachelor's thesis, Jakarta: Fakultas Ekonomi dan Bisnis UIN Syarif Hidayatullah Jakarta).
- Hwang, K., Cha, M., & Yeo, Y. (2015). Does managerial overconfidence influence on financial reporting?: The relationship between overinvestment and conditional conservatism. *Review of Integrative Business and Economics Research*, 4(1), 273.
- LaFond, R., & Watts, R. L. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83(2), 447-478.
- Malmendier, U., & Tate, G. (2005). Does overconfidence affect corporate investment? CEO overconfidence measures revisited. *European financial management*, 11(5), 649-659.
- Novikasari, T., Ritonga, K., & Sofyan, A. (2014). Analisis faktor-faktor yang mempengaruhi penerapan konservatisme dalam akuntansi (studi pada perusahaan manufaktur yang terdaftar di bursa efek indonesia periode 2009-2011). *Jurnal Online Mahasiswa (JOM) Bidang Ilmu Ekonomi*, 1(1), 1-19.
- Nugroho, D. A., & Mutmainah, S. (2012). Pengaruh struktur kepemilikan manajerial, debt covenant, tingkat kesulitan keuangan perusahaan dan risiko litigasi terhadap konservatisme akuntansi. *Diponegoro Journal of Accounting*, 1(1), 1-13.

- Padmawati, I. R., & Fachrurrozie, F. (2015). The Effect of Good Corporate Governance Mechanisms and Audit Quality on the Level of Accounting Conservatism. *Accounting Analysis Journal*, 4(1), 1-11.
- Pietro, F. D., Sánchez, M, J. and Roldán, J, L. (2017). Regional development and capital structure of SMEs. *Cuadernos de Gestión*, 18 (1), 37-60.
- Pramudita, N. (2012). Pengaruh Tingkat Kesulitan Keuangan dan Tingkat Hutang terhadap Konservatisme Akuntansi pada Perusahaan Manufaktur di BEI. *Jurnal Ilmiah Mahasiswa Akuntansi*, 1(2), 1-6.
- Risdiyani, F., & Kusmuriyanto, K. (2015). Analisis Faktor-Faktor Yang Mempengaruhi Penerapan Konservatisme Akuntansi. *Accounting Analysis Journal*, 4(3), 1-10.
- Sari, W. P. (2020). The Effect of Financial Distress and Growth Opportunities on Accounting Conservatism with Litigation Risk as Moderated Variables in Manufacturing Companies Listed on BEI. *Budapest International Research and Critics Institute (BIRCI-Journal): Humanities and Social Sciences*, 3(1), 588-597.
- Schrand, C. M., & Zechman, S. L. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 311-329.
- Setyaningsih, H. (2008). The effect of corporate financial distress on accounting conservatism. *Journal of Accounting and Investment*, 9(1), 91-107.
- Sholikhah, R. M. A., & Suryani, A. W. (2020). The Influence of the Financial Distress, Conflict of Interest, and Litigation Risk on Accounting Conservatism. *KnE Social Sciences*, 222-239.
- Sugiarto, H. V. S., & Fachrurrozie, F. (2018). The determinant of accounting conservatism on manufacturing companies in Indonesia. *Accounting Analysis Journal*, 7(1), 1-9.
- Suryandari, E., & Priyanto, R. E. (2011). Pengaruh Risiko Litigasi dan Tingkat Kesulitan Keuangan Perusahaan Terhadap Hubungan Antara Konflik Kepentingan dan Konservatisme Akuntansi. *Journal of Accounting and Investment*, 12(2), 161-174.
- Susanto, B., & Ramadhani, T. (2016). Faktor-faktor yang memengaruhi konservatisme (studi pada perusahaan manufaktur yang terdaftar di BEI 2010-2014). *Jurnal Bisnis Dan Ekonomi*, 23(2), 142-151.
- Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting horizons*, 17(3), 207-221.
- Widya, W. (2005). Analisis Faktor-faktor yang Mempengaruhi Pilihan Perusahaan terhadap Akuntansi Konservatif. *The Indonesian Journal of Accounting Research*, 8(2). 138-157.
- Yusnaini, Y. (2019). The Effect of Financial Distress, Litigation Risk, and Growth Opportunities on Accounting Conservatism with Leverage as

- Modernizing in Manufacturing Companies Listed in Indonesia Stock Exchange. *International Journal of Public Budgeting, Accounting and Finance*, 2(3), 1-13.
- Zimmerman, J. L. (1983). Taxes and firm size. *Journal of accounting and economics*, 5, 119-149.
- Aliakbarlou, A., Mansourfar, Gh., & Ghayour, F. (2020). Comparing the Identifying Criteria for Financially Distressed Companies using Logistic Regression and Artificial Intelligence Methods. *Financial Management Perspective*, 10(29), 147-166. [In Persian]
- Asadi Moshizi, M., Hajiha, Z., & Jafari, S, M. (2020). Modeling the factors affecting conservatism in companies. *Financial accounting and auditing research*, 12(47), 139-167. [In Persian]
- Hasani Alghar, M., & Rahimian, N. (2018). The Effect of Managerial Overconfidence on Debt Maturity Structure in Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Asset Management and Financing*, 6(1), 89-106. [In Persian]
- Heidari, M., Mansourfar, G., & Ghasemzade, M. (2018). Earning Volatility and Capital Structure Decisions considering the Moderating Role of Financial Distress; A Structural Equations Modeling Approach. *Financial Research Journal*, 20(2), 227-248. [In Persian]
- Kamyabi, Y., hasan nataj kordi, M., & Ebrahimi, J. (2020). The Effect of Growth Opportunities, Financial Constraints, and Financial Distress on Cash Holding Adjustment's Speed in Small and Medium Sized Companies. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 6(4), 99-131. [In Persian]
- Mehrani, S., & Taheri, M. (2018). Managerial Overconfidence and Earning Forecast Errors. *Empirical Research in Accounting*, 7(4), 147-164. [In Persian]
- Meshki, M., & Elahi Rodposhti, S. (2014). Accounting Conservatism and the Value of Cash Holdings. *Empirical Research in Accounting*, 4(3), 23-43. [In Persian]
- Nikoomaram, H., & Banimahd, B. (2008). Specification and Development a Model for Estimating of Accounting Conservatism in Iran. *Future study Management*, 19(77), 1-16. [In Persian]
- Ramsheh, M., & Molanzari, M. (2014). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Knowledge Accounting*, 5(16), 55-79. [In Persian]
- Salehi, M., & Yosefi, S. (2016). The Relationship between Capital Structure and Return on Assets, with an Emphasis on Inflation Caused by Government Decision Makings. *Financial Management Strategy*, 4(1), 37-57. [In Persian]

- Sheri Anaqiz, S., & Hasani Alqar, M. (2018). An Examination of the Effect of the Debt Maturity Structure on Accounting Conservatism. *Accounting and Auditing Studies*, 7(26), 17-30. [In Persian]
- Sinaiee, H., Solgi, M., & Mohamadi, K. (2012). The Effect of Growth Opportunities on Relationship between Capital Structure, Dividend and Ownership Structure with Firm Value. *Journal of Financial Accounting Research*, 3(4), 87-102. [In Persian]



استناد به این مقاله: حیدری، مهدی،، علی اکبرلو، علیرضا، خاکپور حیدرانلو، ابراهیم. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر درماندگی مالی و فرصت‌های رشد بر محافظه‌کاری حسابداری با نقش تعدیل‌گری بیش‌اطمینانی مدیریت، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۹(۷۴)، ۱۷۷-۲۰۸.

DOI: 10.22054/QJMA.2021.59804.2249



Empirical Studies in Financial Accounting is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.